

بررسی رشا و ارتشادر فقه امامیه و حقوق ایران

محمد مهدی خیرخواه^۱
الیاس غلامی^۲

چکیده

رشوه یک معضل اجتماعی است که از دیرباز تا به اکنون دامن گیر جامعه و مردم بوده است. در تحقیق پیش رو که به روش توصیفی - تحلیلی است، ضمن بیان مفهوم و موضوع رشوه، مصادیق آن نیز تبیین شده است. در فقه امامیه نیز بعد از اثبات حرمت رشوه، مطرح شده است که آیا می توان جواز پرداخت رشوه را در موارد ضروری و برای احقاق حق اثبات کرد؟ همچنین در حقوق ایران پس از تحلیل مواد مرتبط به رشوه در مجموعه قوانین، به تبیین ارکان سه گانه جرم در مورد رشوه پرداخته شده است. در پایان، این نتیجه حاصل شد که رشوه آن چیزی است که راشی به مرتشی می دهد تا مرتشی به نفع او حکم کند و یا به طور کلی حق را باطل کند. همچنین روشن شد که رشوه، اختصاصی به باب قضا و حکم ندارد و ملاک حرمت در غیر قضا نیز وجود دارد. از طرفی امور غیرمالی نیز می تواند از مصادیق رشوه باشد. در ادامه مطرح شد که گرچه دریافت رشوه برای مرتشی همواره حرام است، ولی پرداخت آن توسط راشی در مواردی جایز خواهد بود. همچنین بعد از روشن شدن تمایز بین رشوه و هدیه، احکام قانونی مال الرشا و راشی و مرتشی با توجه به مواد قانونی تبیین شد.

واژگان کلیدی: رشوه، مال الرشا، راشی، مرتشی، رشا و ارتشا.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

۱. دانش پژوه سطح ۲ و ۳ پیوسته رشته فقه و حقوق مدرسه علمیه عالی نواب مشهد (نویسنده مسئول).

Mahdi.kheirkhah2001@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح ۴ رشته تخصصی فقه مقارن مدرسه علمیه عالی نواب حوزه علمیه خراسان.

elyasgh110@gmail.com

❁ مقدمه

امروزه شاید کمتر کسی پیدا شود که با اصطلاح رشوه آشنایی نداشته باشد. در جریان رسیدگی به امور اداری و غیر آن، گاهی اشخاص از کندی روند امور و همچنین پیچیدگی در رسیدگی، به قدری ناامید و مستأصل گشته اند که ممکن است برای تسریع در حصول نتیجه، به پرداخت رشوه رو آورند. این معضل اجتماعی - فرهنگی باید از جهت فقهی و حقوقی بررسی شود تا حکم آن در شرع و نیز در قانون روشن شود.

نوشتار پیش رو عهده دار تبیین مفهوم رشوه، حکم مال الرشا، اثبات حرمت رشوه و دایره شمول حرمت آن در فقه است. همچنین پژوهش حاضر بعد از اثبات حرمت رشوه، بررسی می کند که در چه مواردی پرداخت رشوه جایز خواهد بود. همچنین از دیگر اهداف این پژوهش بررسی کامل و دقیق ارکان سه گانه جرم در مورد رشوه است. مقاله پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای نوشته شده است.

در مورد پیشینه تحقیق نیز گرچه نگارنده با جست و جو و بررسی هایی که انجام داده است، پژوهشی به جامعی و گسترده ای این نوشتار نیافته است، ولی سزاوار است به برخی کتب و مقالات مشابهی که در این زمینه نوشته شده است اشاره شود:

۱. «رشوه و احکام آن در فقه اسلامی» (۱۳۸۳)، نویسندگان: دادوئی، حمیدرضا. در این کتاب ابتدا به سیر تاریخی رشوه پرداخته شده است و بعد از آن، بُعد اجتماعی و اخلاقی آن مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین نظر فقها در این باره ذکر شده است و با استناد به قرآن، سنت، اجماع و عقل، این موضوع تحلیل شده است.
۲. «بررسی فقهی جرم رشوه با تأکید بر قرآن کریم» (۱۳۹۶)، نویسندگان: خرقانی، حسن و ذوقی، سعید. در این مقاله نویسنده ضمن بررسی آیات قرآن کریم و نگاهی به روایات و حکم عقل در باب رشوه و نیز بازخوانی قوانین، به این مطلب پرداخته است که شمول حرمت رشوه مقید به باب قضا نیست و در کلیه امور اداری جاری است.
۳. «بررسی حکم و مبانی فقهی رشوه در غیر قضاوت» (۱۳۹۴)، نویسندگان: رحیمی، مرتضی و سلیمانی، سمیه. نویسنده این مقاله به بررسی حکم فقهی رشوه در غیر قضاوت پرداخته است.
۴. «تحقیق در رشوه و حکم فقهی آن» (۱۳۸۹) و حکم استیفای حق از راه پرداخت رشوه (۱۳۹۶)،

نویسنده: میرحسینی نیری، سید احمد. در این پژوهش نگارنده ضمن بیان تفاوت بین رشوه و هدیه و اینکه ماهیت بعضی هدایای ادعایی گاهی همان رشوه است، به ادله حرمت این عملکرد با استناد به کتاب و سنت پرداخته است.

۵. «حکم رشوه غیرقضایی» (۱۴۰۱)، نویسنده: محقق، صدیقه. در این تحقیق پدیده رشوه در مسائل اداری بررسی و مصادیق آن بیان شده است.

۶. «رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه» (۱۳۷۹)، نویسنده: حبیب زاده، محمدجعفر. در این نوشتار نویسنده به بررسی حکم و ماهیت جرم رشوه و مال الرشا در فقه و حقوق کیفری ایران پرداخته است.

۷. معامله در مقام رشوه (۱۳۸۲)، نویسنده: جزایری فارسانی، سید عباس. موضوع این تحقیق معاملات است که در مقام رشوه صورت می گیرد و از این حیث واجد جنبه کیفری است.

همان طور که بیان شد گرچه در رابطه با موضوع رشا و ارتشا مقالات و کتب بسیاری نوشته شده است، ولی توجه به چند نکته، نوشتار پیش رو را از دیگر پژوهش ها متمایز می سازد. این نوشتار با سیر منطقی خود، ابتدا از مفهوم شناسی دقیق رشوه شروع کرده است و پس از بیان موضوع و مصادیق رشوه و وجه تمایز آن با هدیه، به بیان حکم رشوه، مال الرشا، راشی و مرتشی در فقه و حقوق ایران پرداخته است. پرداختن به مسائلی نو، مانند رشوه غیرمالی، رشوه در غیر قضاوت و نیز جواز رشوه برای احقاق حق در این مقاله، با هدف ایجاد انگیزه و ترغیب مخاطب برای پژوهش بیشتر در این مسائل، از دیگر تمایزات این نوشتار با سایر مقالات و کتب مرتبط است.

۱. مفهوم شناسی رشوه

در ابتدای بحث سزاوار است به درک صحیحی از رشوه دست یابیم. به این منظور شایسته است به مفهوم شناسی رشوه در لغت و اصطلاح بپردازیم.

۱-۱. تعریف لغوی

رشوه از لحاظ لغوی، ناقص واوی و اسم مصدر به معنای «جُعل» است، یعنی «آنچه فرد با شرط خاص به دیگری می پردازد» (فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۳۶۹؛ زبیدی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۶۱؛ اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸). «رشا» نیز از مصدر «یرشی» به معنای رشوه دادن است. رشا در منابع گوناگون لغت در معانی مختلف دیگری نیز به کار رفته است. از جمله این معانی می توان به ریسمان (جوهری، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۳۵)،

طنابی که برای بیرون آوردن آب از چاه استفاده می شود (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۰۷) و رشته هایی که با آن کدو و... را بر فراز درخت می آویزند (فیروزآبادی، بی تا، ص ۱۱۸۴؛ جوهری، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۳۵) اشاره کرد. همچنین رشوه به معنای کود نیز در کتب لغت وارد شده است. در وجه تسمیه رشوه به کود می توان گفت همان طور که کود زمین را برای زراعت مهیا می کند، رشوه دهنده نیز با رشوه، نظر رشوه گیرنده را جلب و مهیا می کند تا خواسته وی را انجام دهد (رحیمی و سلیمانی، ۱۳۹۴).

۲-۱. تعریف اصطلاحی

ایروانی در تعریف رشوه آورده است:

«در مجموع پنج احتمال در معنای رشوه وجود دارد: هرگونه جُعل که اجرتی در آن منظور گردد؛ جُعل بر قضاوت و تصدی آن، جُعل بر حکم به حق، خواه برای خود باشد یا برای دیگری؛ جُعل بر خود حکم، خواه حکم به حق باشد یا به باطل؛ جُعل بر حکم به باطل» (ایروانی غروی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۶؛ خرقانی و ذوقی، ۱۳۹۶).

در ادامه می نویسد:

«آنچه اتصافش به حرمت یقینی است، مالی است که در برابر حکم به باطل پرداخت شود، بلکه لفظ رشوه انصراف به این نوع حکم دارد همان گونه که عبارت مجمع البحرین شاهد بر مدعاست» (همان).

طریحی نیز در تعریف اصطلاحی رشوه این چنین می نویسد:

«هی ما يعطيه الشخص للحاكم أو غيره ليحكم له أو يحمله على ما يرى» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۸۴).
«رشوه چیزی است که شخص به قاضی یا غیر آن می دهد تا به نفع او حکم کند یا او را به آنچه که می خواهد وادارد».

طریحی در مورد رشوه مطلب دیگری نیز دارد که مؤید سخن ایروانی است. آنجا که می افزاید:
«الرشوه قلما تستعمل إلا فيما يتوصل به إلى إبطال حق أو تمشية باطل»

«رشوه در غیر جایی که با آن حق باطل شود، یا باطلی به جریان افتد، کم به کار برده می‌شود» (همان).

در تعریف رشوه اقوال مختلفی از فقها و اهل لغت وارد شده است، اما از جمع‌بندی همه آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که رشوه آن چیزی است که شخصی به دیگری می‌دهد تا حق را باطل کند یا اینکه باطلی را بر حق غلبه دهد. به کسی که رشوه می‌دهد «راشی» و به آن که رشوه می‌گیرد «مرتشی» می‌گویند (محقق، ۱۴۰۱).

۳-۱. موضوع رشوه

در موضوع رشوه باید این مطلب بررسی شود که آیا رشوه منحصر در قضاوت است یا غیر قضاوت را نیز شامل می‌شود؟ به طور کلی با توجه به اطلاق معانی لغوی و اصطلاحی رشوه و همچنین تفسیر آیه ۱۸۸ سوره بقره که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، روشن می‌شود که رشوه به باب قضا اختصاص نخواهد داشت و ملاک حرمت در غیر قضای نیز وجود دارد. در قوانین کشور ما نیز توجه به این مطلب به چشم می‌خورد. از جمله در بند ۱۰ ماده واحد متعم قانون دیوان جزای عمال دولت (مصوب ۱۳۰۸) تصریح شده است: «مقصود از کلمه ارتشا مذکور در قوانین مربوط به ارتشا، اخذ وجه یا مال یا اخذ سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی است از طرف مستخدم دولتی یا مملکتی یا بلدی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط است به تشکیلات قضایی و اداری دولت یا ادارات مملکتی یا بلدی».

همچنین قانون مجازات ارتشا مصوب تیرماه ۱۳۰۷ با عبارت «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولت اعم از قضایی و اداری و همچنین هر یک از مستخدمین و مأمورین ادارات شوروی و بلدی...» شروع شده است. این سیاق در قانون مجازات عمومی سابق (مواد ۱۳۹-۱۴۸) و قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ (مواد ۵۶-۷۶) و ماده ۳ قانون تشدید مصوب ۱۳۶۷ و فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۵) نیز رعایت شده است. این روش ناشی از توجه قانون‌گذاران به معنای لغوی و اصطلاحی رشوه بوده است، از این رو در عبارت پردازی، اخذ رشوه را منحصر در امور قضایی ندانسته‌اند. ولی اختلافی در بین فقها در این زمینه به چشم می‌خورد. دو نظر در مورد رشوه وجود دارد. اکثر فقها رشوه را مختص به باب قضا و حکم می‌دانند و حرمت رشوه را در غیر آن از باب «اکل مال بالباطل» توجیه می‌کنند. در مقابل، عده‌ای با استفاده از تنقیح مناط حرمت رشوه را در غیر قضاوت نیز ثابت کرده‌اند.

به نظر می‌رسد دلیل گرایش بیشتر فقها به نظر اول آن است که شیوه متداول پرداخت رشوه در زمان ایشان، مقام حکم و قضاوت بوده است، چراکه در آن زمان تشکیلات اداری و سازمانی به نحو امروزی وجود نداشته است و آنچه وجود داشته نیز خارج از اختیار فقها، خصوصاً فقهای امامیه بوده است، بنابراین، عدم دخالت ایشان در امور حکومتی و اداره جامعه و توجه آن‌ها صرفاً به رفع خصومت بین مراجعین خود، باعث آن شد که ادله رشوه بیشتر در باب قضا مورد بحث قرار گیرد و در نتیجه، این توهّم به وجود آید که عنوان رشوه بیشتر در باب قضا به کار می‌رود، ولی باید توجه داشت که کثرت استعمال لفظ رشوه در باب قضا باعث انصراف از معنای عام لغوی آن نمی‌شود (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹).

بنابراین با توجه به وحدت ملاک و معنای لغوی و عرفی رشوه، روشن است که ادله حرمت رشوه اختصاص به باب حکم و قضاوت ندارد و در سایر ابواب نیز جاری است.

۴-۱. مصادیق رشوه

متعارف در بین مردم آن است که رشوه پرداخت مال در ازای انجام عمل است، ولی توجه به این مطلب ضروری است که آیا مصادیق رشوه فقط مالی است یا با توجه به اطلاق معانی رشوه می‌توان رشوه غیرمالی را نیز از مصادیق رشوه دانست؟ (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹).

۴-۱-۱. مالی

با توجه به روایات وارد شده درباره رشوه، شکی نیست که یکی از مصادیق رشوه، مال است، از این رو در کلام فقها بیشتر از رشوه مالی سخن به میان آمده است و کمتر از رشوه غیرمالی صحبت شده است، زیرا همه علما نظرشان این است که اگر رشوه مال باشد، با توجه به تعبیر روایات «سُحْت» است و تصرف در آن، «اکل مال بالباطل» خواهد بود. از این رو آنچه رشوه‌دهنده در مقام رشوه پرداخت می‌کند، در ملکیت رشوه‌گیرنده قرار نمی‌گیرد و او موظف است آن را در صورت بقای عین به صاحبش بازگرداند و اگر تلف شده است، قیمت آن را اگر قیمی است و مثل آن را اگر مثلی است به صاحبش بپردازد. در نتیجه در مورد رشوه مالی بین فقها اختلاف نظر وجود ندارد (محقق، ۱۴۰۱).

۴-۱-۲. غیرمالی

اولین کسی که از رشوه مالی سخن به میان آورده است و رشوه را به غیرمالی تعمیم داده، صاحب جواهر رحمته‌الله علیه است. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۱۴۶). از دیگر فقهای که رشوه غیرمالی را از مصادیق رشوه

حرام دانسته‌اند می‌توان به محقق خویی رحمته‌الله‌علیه در مصباح الفقاهه (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۳) و محقق سبزواری رحمته‌الله‌علیه در مذهب الأحکام (سبزواری، ۱۴۰۲ق، ج ۲۷، ص ۳۰) اشاره کرد. همچنین در عروة الوثقی نیز محقق طباطبایی رحمته‌الله‌علیه در این زمینه نوشته است:

«رشوه گاهی از اعیان است، مانند ماشین و فرش، و گاهی بهره اعیان است، مانند بهره‌مندی یک ساله از منزلی یا درآمد یک ماهه کارخانه‌ای، و گاهی انجام کاری است برای مرتشی، مانند دوختن لباس یا بازسازی منزل وی. گاهی در قالب رفتار خاصی بروز می‌کند، مانند تلاش برای رفع نیازها و اکرام و بزرگداشت وی و... که همه این‌ها حرام است، یا برای صدق رشوه بر آن‌ها و یا به دلیل پیوستگی حکمی آن‌ها به رشوه» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۳).

مهم‌ترین دلیلی که پذیرفتگان این نظریه مطرح کرده‌اند به این شرح است:

رشوه از اصطلاحات و مفاهیم عرفی است و در عرف و لغت به امور غیرمالی نیز تعمیم داده شده است و محدود به امور مالی نیست. همچنین اطلاق ادله و معانی رشوه نیز مؤید همین مطلب است.

با توجه به مطالبی که مطرح شد، رشوه اشکال گوناگونی دارد: گاهی با دادن حق مادی است، مثل حق تایپ و تکثیر یا حق تألیف یا حق سرقتی و... و گاه با دادن حق مالی مثل حق فسخ در یک معامله. مال الرشان نیز گاه مادی و محدود است، مانند موبایل و یا ماشین، و گاه یک مال مجرد و حقوقی است که به واسطه آن می‌توان از امور مادی بهره برد، مثل حق مالکیت. بر همین اساس، موارد بسیاری را می‌توان از مصادیق رشوه دانست، مانند: اعطای هرگونه مجوز غیرقانونی به مرتشی مثل ساخت یک مجتمع؛ وارد کردن کالاهای ممنوعه؛ انجام عملی به نفع او مثل تعمیر وسایل او یا فراهم کردن وسایل مورد نیاز او؛ استخدام اقوام و آشنایان مرتشی؛ چشم‌پوشی از تخلفات وی مثل ساخت مسکن بدون پروانه؛ و یا عدم جریمه بابت تخلفات رانندگی.

پس به طور کلی، در این باره می‌توان گفت که انسان از هر راهی که بخواهد به هدف ناحق و ناشایست خود دست یابد یا حق را به نفع خود تغییر دهد یا حق دیگری را دست‌آویز مطلوب خود قرار داده و او را پایمال کند، رشوه و حرام است و در این مورد فرقی نمی‌کند که این رشوه مالی باشد یا غیرمالی (محقق، ۱۴۰۱).

۲. رشوه در فقه امامیه

در کتب فقهی از رشوه در دو باب بحث شده است: یکی در باب مکاسب محرمة به عنوان یکی از کسب‌های حرام و دریافت مال از این طریق (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۸۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۱۴۵؛ شیخ انصاری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۳۹)؛ مورد دیگر در باب قضا است که یکی از موارد ممنوعه در باب قضاوت است و دریافت آن برای قاضی حرام است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۴۱۹؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص ۶۹؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۳۳؛ نجفی، همان، ج ۴۰، ص ۱۳۱). به همین ترتیب مباحث پیش‌رو را در دو قسم بیان می‌کنیم و احکام مربوط به هر قسم را جداگانه مطرح می‌کنیم (خرقانی و ذوقی، ۱۳۹۶).

۲-۱. رشوه در قضاوت

رشوه در قضاوت یعنی رشوه‌دهنده مالی را به قاضی بپردازد یا خدماتی را در حق وی انجام دهد تا او به نفع وی حکم کند یا راه غلبه و پیروزی را به او بیاموزد. هرچند که حق با رشوه‌دهنده باشد و قاضی نیز به حق حکم کرده باشد. در هر حال، آنچه برای صورت گرفتن چنین مطلبی به قاضی پرداخت شده باشد برای او حرام است، هرچند که رشوه‌دهنده مجانباً به او بپردازد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... رَجُلًا أَحْتَاجَ النَّاسُ إِلَيْهِ لَتَفْقَهُهُ فَسَأَلَهُمُ الرِّشْوَةَ»
(حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۹۲).

«پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لعنت کرده است ... کسی را که مردم به دانایی و فقه‌اش نیاز دارند و او از آنان مطالبه رشوه می‌کند».

همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الرِّشَاءُ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۹۱).
«رشوه‌خواری در مقام قضاوت، کفر به خداوند است».

این دو حدیث به روشنی دلالت دارند که اخذ رشوه در برابر حکم و قضاوت، هرچند که به حق باشد، حرام است، چرا که اطلاق دارند و امام علیه السلام بین قضاوت حق و باطل تفصیل قائل نشده‌اند (عسکری، اسلام‌پور و کریمی، ۱۳۸۷).

۲-۲. رشوه در غیر قضاوت

همان طور که پیش تر در مبحث موضوع رشوه به این مسئله پرداخته شد، دانستیم رشوه اختصاصی به قضاوت ندارد و شامل غیر قضاوت نیز می شود. در اینجا شایسته است سخن برخی از فقها را در این زمینه مطرح کنیم.

محقق خوینی رحمته الله علیه در این باره نوشته است:

«رشوه عبارت است از مالی که کسی به جهت احقاق حق یا پیش برد باطل، چاپلوسی یا دستیابی به خواسته خود و یا درازای عملی که نزد عرف و عقلاً رایگان و براساس حس تعاون و همیاری انجام می شود، به دیگری می دهد» (خوینی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۶۲).

ابن اثیر در تعریف رشوه می گوید:

«إِنَّهَا الْوُضْلَةُ إِلَى الْحَاجَةِ بِالْمُصَانَعَةِ» (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۲۱)
«رشوه چیزی است برای رسیدن به مقصد از راه زدوبند».

اطلاق این تعریف به روشنی دلالت بر صدق عنوان رشوه در غیر باب قضا دارد. طریحی در مجمع البحرین در این زمینه این چنین می نویسد:

«هِيَ مَا يُعْطِيهِ الشَّخْصُ لِلْحَاكِمِ أَوْ غَيْرِهِ لِيَحْكُمَ لَهُ أَوْ يَحْمِلَهُ عَلَى مَا يُرِيدُ» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۸۴).
«رشوه چیزی است که شخص به قاضی یا غیر آن می دهد تا به نفع او حکم کند یا او را به مطلبی که می خواهد وادارد».

در این تعریف، تعبیر «غیر آن» بیان گر عمومیت و شمول رشوه بر غیر قاضی و تعبیر «او را به مطلبی که می خواهد وادارد» نشان دهنده شمول آن بر غیر قضاوت است.

شهید ثانی رحمته الله علیه نیز در کتاب مسالک الإفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، برای اثبات حرمت رشوه، دلیل از اجماع و اتفاق مسلمین آورده است و علاوه بر اینکه لفظ رشوه را بر قاضی اطلاق کرده، آن را بر عامل مسلمین نیز تعمیم داده است. آنجا که می فرماید:

«اتَّفَقَ الْمُسْلِمُونَ عَلَى تَحْرِيمِ الرِّشْوَةِ عَلَى الْقَاضِي وَالْعَامِلِ» (شهید ثانی، ۴۱۸، ق، ج ۱۳، ص ۴۱۹).

همه مسلمانان بر حرام بودن رشوه بر قاضی و عامل [و کارگزار] اتفاق دارند.

همچنین محقق عراقی رحمته الله در شرح تبصرة المتعلمين از علامه حلی رحمته الله این چنین آورده است: «... إِذْنٌ لَا تَخْتَصُّ الرِّشْوَةُ الْمُحَرَّمَةُ بِبَابِ الْقَضَاءِ، بَلْ تَعُمُّ سَائِرَ الْوَلَايَاتِ وَالْأَعْمَالِ الرَّسْمِيَّةِ» (عراق، ۱۴۱۴، ق، ص ۴۲۸). «همچنین رشوه حرام اختصاصی به باب قضا ندارد، بلکه عمومیت دارد و شامل سایر کسانی که بر مردم ولایت دارند و امور مردم در دست آنهاست و همچنین کارگزاران دولتی و رسمی نیز می شود».

بسیاری از فقیهان معاصر نیز بر این عقیده اند که حرمت رشوه به باب قضا اختصاص ندارد و در غیر آن نیز جاری است. صاحب عروه رحمته الله این چنین نوشته است:

«رشوه تنها به آنچه به قاضی برای صدور حکم داده می شود اختصاص ندارد، بلکه در غیر باب قضا نیز راه دارد، مانند اینکه چیزی به حاکم عرفی یا ظالم یا رئیسی داده شود که او را در کار حرامی کمک کند، این هم حرام است» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ق، ج ۶، ص ۴۴۶؛ عسکری، اسلام پور و کریمی، ۱۳۸۷).

۲-۳. ادله حرمت رشوه

فقها و علمای اسلامی عموماً برای حرمت رشوه چهار دلیل ذکر کرده اند: کتاب، سنت، اجماع و عقل. در ادامه به بررسی هر کدام از ادله خواهیم پرداخت.

۲-۳-۱. کتاب

آیه ۱۸۸ سوره بقره مهم ترین و مشهورترین دلیل بر حرمت رشوه است (حبیب زاده، ۱۳۷۹). خداوند در این آیه می فرماید:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

«اموال یکدیگر را به ناحق نخورید و برای این کار [بخشی از] آن را به قضاات [به عنوان رشوه] ندهید، در حالی که می دانید [این کار گناه است]» (بقره/۱۸۸).

کلمه «أَکَل» با صیغه های مختلف، بیش از صد مورد در قرآن کریم به کار رفته است و به معنای خوردن است. «أَکَل مال» در این آیه کنایه و تعریض از تملک و تصرف اموال دیگران به ناحق است. واضح است که در «خوردن»، هیچ خصوصیتی وجود ندارد و تعبیر «أَکَل» از این جهت در این آیه ذکر شده است که خوردن مهم ترین نیاز انسان است، وگرنه هرگونه تصرف و تملکی را چه به صورت خوردن باشد یا به صورت غیر آن شامل می شود.

در این آیه خداوند متعال انسان را از یک عمل ناپسند نهی می کند و آن خوردن مال دیگران به ناحق است. همچنین عبارت «لَا تُذِلُّوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ» به روشنی بر حرمت رشوه دلالت دارد. علامه طباطبائی رحمته الله علیه در تفسیر این عبارت نوشته است:

«(ادلاء) (مصدر تُذِلُّوا) در چاه کردن دلو برای کشیدن آب است و منظور از آن در آیه شریفه، رشوه دادن به حاکمان است که خداوند به صورت کنایه ای لطیف آورده است. به این بیان که همان طور که به وسیله دلو آب از چاه بیرون کشیده می شود، رشوه دهنده به وسیله رشوه نظر حاکم را به سمت خود می کشد تا به نفع او حکم کند» (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۲).

نکته قابل توجه دیگر در آیه آن است که عبارت «لَا تُذِلُّوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ» رشوه را به طور مطلق و عام در مورد فرمانروایان به کار برده است، چه در مورد حکم و قضاوت باشد، چه در مورد غیر آن و چه اینکه فرمانروایان از قضاات باشند یا دیگران (عسکری، اسلام پور و کریمی، ۱۳۸۷).

آیه ۴۲ سوره مائده نیز از دیگر آیات قرآن است که دلالت بر حرمت رشوه دارد. خداوند در این آیه می فرماید:

«سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصْرِوْكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ»

بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»

«آن‌ها آن قدر به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند. مال حرام فراوان می‌خورند. اگر نزد تو آمدند، بین آنان قضاوت کن [اگر صلاح بود] یا از آنان دوری کن [و آن‌ها را به حال خود واگذار] و اگر از آن‌ها صرف نظر کنی، به تویانی نمی‌رسانند و اگر میان آن‌ها داوری کنی، با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست دارد» (مائده/۴۲).

این آیه به یکی از ویژگی‌های علمای یهود اشاره دارد که حرام‌خواری بوده است. واژه «سحت» دلالت بر رشوه دارد (طبرسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۹۶). علمای یهود از مردم رشوه دریافت می‌کردند تا حکم خداوند را تغییر دهند (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۴۱؛ محقق، ۱۴۰۱).

فاضل مقداد رحمه الله در این زمینه که چرا کلمه سحت در این آیه به کار رفته است و از آن به رشوه تعبیر می‌شود، می‌نویسد:

«زیرا کارهای بسیار ناپسندی در رشوه وجود دارد. به عبارت دیگر هر رشوه‌ای که صورت می‌گیرد، در بردارنده چنین عمل زشت است، از جمله دروغ بستن به خداوند و رسولش صلی الله علیه و آله، شهادت کذب، گرفتن مال از دست مستحق و دادن آن به غیر، شنیدن شهادت کذب، خیانت در حق خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله؛ و چون همه این اعمال زشت و ناپسند در رشوه وجود دارد، خداوند در این آیه از واژه سحت بهره برده است» (فاضل مقداد، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۲؛ عسکری، اسلام‌پور و کریمی، ۱۳۸۷).

در این آیه نیز، سحت بودن رشوه مطلق بیان شده است و مقید به باب قضاوت نیست و با توجه به آیه ۱۸۸ سوره بقره شامل غیر مورد قضاوت نیز می‌شود.

۲-۳-۲. سنت

در مورد حرمت رشوه روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام وارد شده است. در پاره‌ای از روایات رشوه به سحت تعبیر شده است. در پاره‌ای دیگر رشوه به شرک و کفر و غلول تعبیر شده است. عمار بن مروان از امام باقر علیه السلام در مورد غلول پرسید؟ حضرت فرمودند:

«هرچیزی که خیانت به امام باشد، حرام است و خوردن مال یتیم و مانند آن سحت است و سحت، انواع بسیاری دارد از جمله: اجرت‌های زناکاران و پول فروش شراب و نبیذ و مسکرات و ربا بعد از آشکارشدن حکم آن؛ اما رشوه در حکم کفر به خدا و رسول اوست» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۶۲).

در این روایات امام علیه السلام به روشنی رشوه را مصداق کفر به خدا و رسول دانسته است.

اصبغ بن نباته از حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمودند:
 «أَيُّمَا وَالٍ احْتَجَبَ مِنْ حَوَائِجِ النَّاسِ احْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَنْ حَوَائِجِهِ وَإِنْ أَخَذَ هَدِيَّةً كَانَ غُلُولًا وَإِنْ أَخَذَ الرِّشْوَةَ فَهُوَ مُشْرِكٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۶۳).

«هر حاکمی که خود را از مردم مخفی کند و نگذارد مردم نیازمندی‌هایشان را به او بگویند، خداوند در روز قیامت از او و از حوائجش چشم می‌پوشد و اگر هدیه‌ای بگیرد خیانت است و اگر رشوه بگیرد مشرک می‌شود».

از این روایت این گونه فهمیده می‌شود که رشوه به حکام عمومیت دارد و غیر قضاوت را نیز شامل می‌شود، چراکه حوائج مردم اعم از باب قضا و داوری است.

همچنین روایت سماعه از امام صادق علیه السلام در این زمینه وارد شده است که امام علیه السلام می‌فرمایند:
 «الرِّشَاءُ فِي الْحُكْمِ هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۹۱).
 «رشوه‌خواری در مقام قضاوت، کفر به خداوند است»

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام آمده است:
 «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ... رَجُلًا احْتَاجَ النَّاسَ إِلَيْهِ لِفِقْهِهِ فَسَأَلَهُمُ الرِّشْوَةَ» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۹۲).
 «پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله لعنت کرده است... کسی را که مردم به فقه‌اش نیاز دارند و او از آنان مطالبه رشوه می‌کند».

در این روایت رشوه در کنار زشت‌ترین اعمال یعنی زنا و تجاوز به ناموس برادر دینی قرار گرفته است که حکایت از شدت زشتی و منع آن دارد. در مورد این دو روایت نیز هرچند ظاهر روایت اول، دال بر رشوه در قضاوت و حکم است، اما ظاهر روایت دوم دلالت بر حرمت رشوه برای کسانی دارد که عالم به فقه هستند و برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم از آن‌ها رشوه می‌گیرند. با توجه به اینکه مراجعه به فقها و دانشمندان اسلامی اعم از آن است که به خاطر رفع خصومت یا داوری بین آن‌ها باشد و شامل پاسخ‌گویی به مسائل روزمره هم می‌شود، بنابراین، روایت دوم عام است و غیر باب قضا را هم شامل می‌شود (محقق، ۱۴۰۱).

۲-۳-۳. اجماع

دلیل سومی که بسیاری از فقها و علمای اسلامی در حرمت رشوه نام برده‌اند، اجماع است. همه علمای و فقها اتفاق نظر دارند بر اینکه رشوه حرام است و تصرف در آن مصداق «اکل مال بالباطل» خواهد بود. ولی با توجه به دو دلیل پیشین می‌توان گفت نیاز به ذکر این دلیل نیست، اما از آنجا که برخی علما به آن استناد کرده‌اند، به ذکر نمونه‌هایی از آن خواهیم پرداخت (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹).

محقق کرکی رحمته الله علیه در جامع المقاصد ذیل این بحث می‌نویسد:

«اجمع اهل الإسلام على تحريم الرشأ في الحكم» (محقق کرکی، ۱۴۱۱ ق،

ج ۴، ص ۳۵).

«مسلمانان در حرمت رشوه در حکم، اجماع کرده‌اند».

صاحب مفتاح الکرامه رحمته الله علیه نیز در این باره می‌فرماید:

«وَيَحْرُمُ الرِّشَاءُ فِي الْحُكْمِ... بِإِجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ كَمَا فِي جَامِعِ الْمَقَاصِدِ وَقَضَا وَ الرُّوَضَةِ وَ حَاشِيَةِ الْإِرْشَادِ وَ هِيَ سُحْتُ بِلَا خِلَافٍ كَمَا فِي الْمُتَنَهَى» (حسینی عاملی، ۱۳۹۱ ق، ج ۴، ص ۹۱؛ عسکری، اسلام‌پور و کریمی، ۱۳۸۷).

«رشوه در حکم... به اجماع مسلمانان حرام است؛ همان‌طور که در جامع المقاصد، قضا، روضه و حاشیه ارشاد ذکر شده است و رشوه بدون هیچ اختلافی سُحْت است؛ همان‌طور که در المتنه‌ی ذکر شد».

صاحب جواهر رحمته الله علیه نیز در مورد اجماع بر حرمت رشوه می گوید:

«اتَّفَقَ الْمُتَسَلِّمُونَ عَلَى تَحْرِيمِ الرِّشْوَةِ عَلَى الْقَاضِي وَالْعَامِلِ» نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۰، ص ۱۳۱.

«مسلمانان بر حرام بودن رشوه بر قاضی و عامل [و کارگزار] اتفاق نظر دارند».

همان طور که روشن است، در این عبارت با توجه به واژه «عامل»، رشوه تعمیم دارد و غیر قاضی را نیز شامل می شود (محقق، ۱۴۰۱).

۲-۳-۴. عقل

از آنجا که درک حسن و قبح افعال توسط عقل صورت می گیرد، در مورد رشوه نیز اساساً عقل می تواند به حرمت آن پی ببرد، چراکه رشوه یقیناً یکی از مصادیق ظلم است و قبح ظلم نیز ذاتی آن است. وقتی که قاضی یا حاکم یا هر کارگزار حکومتی، حق کسی را به واسطه دریافت رشوه ضایع می کند، در واقع در حق او ظلم کرده است. عقل سلیم زشتی و قبح این عمل را به خوبی درک می کند. پس حرمت رشوه قبل از آن که یک امر شرعی باشد، یک مسئله عقلی خواهد بود. برخی از فقها مثل محقق اردبیلی رحمته الله علیه درباره حرمت رشوه، دلیل عقلی را قبل از دلیل نقلی می آورند (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۹). برخی دیگر مانند صاحب جواهر رحمته الله علیه رشوه را آن چیزی می دانند که نفس پاک و عقل سلیم آن را قبیح بداند و خواستار دوری از آن باشد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴۸). در نظر برخی دیگر از فقها اثبات حرمت رشوه از راه عقل یک امر بدیهی بوده است و نیاز به استدلال ندارد، چراکه از مصادیق بارز ظلم است (موسوی اردبیلی، بی تا، ص ۳۴۲؛ عسکری، اسلام پور و کریمی، ۱۳۸۷).

پس می توان این چنین گفت که حرمت رشوه و مجازات مرتکبان آن از احکام امضایی اسلام است، یعنی قبل از اسلام نیز رشوه در میان ملل و عرف عقلا چه در مورد قضاوت و چه در غیر مورد قضاوت امری ناپسند و قبیح بوده است و با آن به شدت برخورد می شده است، تا جایی که حتی مرتکب آن را مستوجب کیفر قتل می دانستند (افلاطون، ۱۳۵۴، ص ۴۶۵؛ محقق، ۱۴۰۱).

۲-۴. ادله جواز رشوه برای احقاق حق

روشن شد که به حکم ادله اربعه، پرداخت یا دریافت رشوه حرام است و تصرف در آن مصداق «اکل



مال بالباطل» خواهد بود. در اینجا شایسته است به این سؤال پاسخ دهیم که آیا می‌توان به مقتضای قواعد ثانویه شرعی، جواز پرداخت رشوه را در موارد ضرورت ثابت کرد؟ به عبارت دیگر، آیا شخص می‌تواند برای احقاق حق خود رشوه بدهد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان دو جهت را مورد بررسی قرار داد:

۱. جهتی که شخص غیر از پرداخت رشوه راه دیگری برای رسیدن به حق خود نداشته باشد.
۲. جهتی که راه رسیدن به حق منحصر در پرداخت رشوه نیست و شخص از طرق دیگر می‌تواند به حق خود دست یابد.

آنچه طبق هر دو فرض مسلم است، آن است که در هر صورت دریافت رشوه توسط مرتشی ابداً جایز نیست و حرام خواهد بود (نراقی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۹). همچنین بر مرتشی واجب است مال را به صاحبش بازگرداند و حق هیچ‌گونه تصرفی در آن را ندارد (بهبهانی، ۱۳۱۰ق، ص ۱۵).

اما در مورد راشی این بحث مطرح است که پرداخت رشوه طبق دو فرضی که بیان شد برای او جایز است یا خیر؟ محقق حلی رحمته الله علیه در شرایع بعد از بیان حرمت رشوه به صراحت فرموده است: کسی که با پرداخت رشوه به حق خود می‌رسد، مرتکب گناه نشده است (محقق حلی، ۱۳۷۷ق، ص ۳۱۸). همچنین صاحب جواهر رحمته الله علیه در توضیح بیان محقق حلی رحمته الله علیه نوشته است:

«بَلْ ظَاهِرُ الْمُصْطَفِ وَالْفَاضِلِ جَوَازُ ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ يَتَوَقَّفْ» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۱).

«از ظاهر کلام محقق و علامه رحمته الله علیه استفاده می‌شود که پرداخت رشوه برای احقاق حق جایز است، ولو اینکه رسیدن به حق متوقف بر پرداخت رشوه نیز نباشد».

طبق این نظر، پرداخت رشوه بر راشی طبق هر دو فرض جایز است. ولی صاحب جواهر رحمته الله علیه در ادامه سخن خود عبارتی آورده است که از اطلاق کلام قبل خود می‌کاهد و پرداخت رشوه را مقید به زمانی می‌کند که معلوم نباشد راه دیگری برای رسیدن به حق وجود دارد یا خیر. آنجا که می‌افزاید: «وَلَعَلَّهُ كَذَلِكَ إِذَا لَمْ يُعْلَمِ الْحَالُ».

همچنین صاحب مفتاح الکرامه رحمته الله علیه نیز در مورد پرداخت رشوه می‌گوید:

«لَا رَيْبَ أَنَّهُ يُؤْتَمُّ الدَّافِعُ لَهَا أَيْضًا... إِلَّا إِذَا كَانَ الْحَقُّ مُوقُوفًا عَلَيْهِ

مُنْحَصِرًا فِيهِ فَإِنَّهُ يَجُوزُ الْإِعْطَاءُ لَا الْأَخْذَ» (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۳۰۰).

«بدون شک پرداخت کننده رشوه نیز گناهکار است... مگر در حالتی که حق منحصر در پرداخت رشوه باشد که در این صورت پرداخت جایز است، اما دریافت آن جایز نیست».

در عبارت مذکور، صاحب جواهر رحمته الله علیه حرمت پرداخت رشوه را بیان کرده است و آن حالتی که برای احقاق حق رشوه پرداخت می شود را استثنا کرده است. همچنین از صاحب ریاض رحمته الله علیه در این مسئله نقل شده است که ایشان با استناد به قاعده «الضَّرُورَاتُ تُبَيِّحُ الْمَحْظُورَاتِ؛ ضرورتها محظورات را جایز می کنند»، پرداخت رشوه را در جایی که تنها راه رسیدن به حق باشد، جایز دانسته است (دادوئی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱).

امام خمینی رحمته الله علیه در جواز این مسئله فرموده است:

«نَعَمْ لَوْ تَوَقَّفَ التَّوَصُّلُ إِلَى حَقِّهِ عَلَيْهَا جَاَزَ لِلدَّافِعِ وَإِنْ حَرَّمَ عَلَى الْأَخْذِ وَهَلْ يَجُوزُ الدَّفْعُ إِذَا كَانَ مُحِقًّا وَلَمْ يَتَوَقَّفِ التَّوَصُّلُ إِلَيْهِ عَلَيْهَا؟ قِيلَ نَعَمْ وَالْأَخْوَاطُ التَّرْكُ بَلْ لَا يَحِلُّ مِنْ قُوَّةٍ وَيَجِبُ عَلَى الْمُتَرَتِّبِ إِعَادَتُهَا إِلَى صَاحِبِهَا مِنْ غَيْرِ فَرْقٍ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بَيْنَ أَنْ يَكُونَ الرِّشْوَةُ بِعُنْوَانِهَا أَوْ بِعُنْوَانِ الْهَبَةِ أَوْ الْهَدِيَّةِ أَوْ الْبَيْعِ الْمُحَابَاتِيِّ وَنَحْوِ ذَلِكَ» (خمینی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۸۲).

«بله، اگر رسیدن به حق منحصر در پرداخت رشوه باشد، پرداخت آن برای راشی جایز است، هرچند که برای مرتشی حرام است. اما آیا اگر شخص محق باشد و رسیدن به حق منحصر در پرداخت رشوه نباشد، پرداخت آن جایز است؟ گفته شده است که بله، اما احتیاط در ترک آن است، هرچند این نظر قوی است. همچنین بر مرتشی واجب است که مال رشوه را به صاحبش بازگرداند، بدون فرق بین اینکه رشوه به عنوان رشوه باشد یا به عنوان هدیه یا بیه محاباتی و مانند آن».

البته ایشان نیز پرداخت رشوه را در حالتی جایز می دانند که احقاق حق منحصر در همین راه باشد.

به طور کلی روشن شد که گرچه در هر صورت، اخذ رشوه بر مرتشی حرام است، ولی پرداخت آن از سمت راشی اگر تنها راه برای رسیدن به حق باشد، اشکال شرعی ندارد. همچنین جواز پرداخت رشوه در این مورد را می توان از طریق احادیث و قواعد فقهی متعدد ثابت کرد (میرحسینی نیری، ۱۳۹۶).

۲-۵. احکام مربوط به مال الرشاء

وقتی سخن از مال الرشاء به میان می آید، شاید ذهن در وهله اول به معنای مدنی آن متبادر شود که بیشتر منطبق بر اعیان خارجی است، مثل پول، ماشین، مسکن و امثال آن. اما در اینجا منظور از مال الرشاء اعم از مال به معنای مدنی آن است و شامل هرگونه تعهد و اقدامی می شود که رشوه دهنده اجرای آن را ضمانت می کند و رشوه گیرنده از آن بهره مند می شود. به نظر فقهای اسلامی، تصرف در مال الرشاء مصداق «اکل مال بالباطل» خواهد بود؛ از این رو مرتشی باید مال الرشاء را فوراً به صاحبش بازگرداند.

شاهد ثانی رحمته الله علیه معتقد است همان طور که در ابتدا گرفتن رشوه حرام است، باقی ماندن آن در دست مرتشی نیز نامشروع است، بنابراین قاضی باید بعد از گرفتن آن، در صورت بقا آن را به صاحبش برگرداند و اگر تلف شده باشد، اگر مثلی است مثل آن، و اگر قیمی است قیمت آن را به رشوه دهنده بازگرداند (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۷۵). به نظر دیگر فقها نیز در بیع محاباتی [معامله یک عین به کمتر از ارزش واقعی آن] که به قصد رشوه صورت گرفته است، همین حکم (استرداد مال الرشاء به رشوه دهنده) جاری است (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۲۲-۲۴).

امام خمینی رحمته الله علیه نیز در این مورد می فرماید:

«بر رشوه گیرنده واجب است که مال رشوه را به رشوه دهنده مسترد کند»

(امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۶).

بنابراین، آنچه از نظرات فقها استفاده می شود آن است که مال الرشاء باید به راشی مسترد شود، ولی از نظر مقررات کیفری این مال به عنوان مجازات راشی به نفع حکومت ضبط خواهد شد و مسترد نمی شود (خرقانی و ذوقی، ۱۳۹۶).

۳. رشوه در حقوق ایران

جرم رشوه از قدیمی ترین جرایم تاریخ کیفری بشر است. سابقه تاریخی این جرم به زمان تشکیل

اولین دولت‌ها و ساختار دیوان سالاری در سطح جهان بازمی‌گردد. در گذشته نیز حکومت‌ها چون این جرم را مخلّ نظم و موجب بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت می‌دانستند، مجازات‌های بسیار سنگینی برای آن در نظر می‌گرفتند. به عنوان مثال، «هرودوت»^۱ نخستین مورخ بزرگ یونانی، در کتاب خود آورده است که «کمبوجیه»^۲ دومین پادشاه هخامنشی، دستور داد تا «سیسامنس»^۳ یکی از قضات بزرگ آن زمان را به جرم دریافت رشوه اعدام کنند و پوست از تنش بکنند و آن پوست را بر مسند قضاوت پهن کنند. سپس پسر قاضی را به جای او منصوب کرد و یادآوری کرد که بر چه جایی نشسته است. همچنین امروزه نیز در قوانین جزایی جهان، از جمله قانون جزایی ایران، به این جرم توجه شده است. همان‌طوری که در احادیث، راشی، مرتشی و رائش (واسطه‌ای بین رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده) هر سه مذمت شده‌اند و مستحق آتش جهنم شمرده شده‌اند، قانون‌گذار در مقررات کیفری ایران نیز برای هر کدام از راشی، مرتشی و رائش، مواد قانونی ذکر کرده و جزای آن را تعیین نموده است که در ادامه به چند نمونه از این قوانین اشاره خواهیم کرد (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹).

۳-۱. رکن قانونی رشوه

در مقررات جاری کشور ما، مواد ۵۸۸ تا ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، به رشوه اختصاص داده شده است.

برخی از مجازات‌های مقرر رشوه در قانون مجازات اسلامی به شرح ذیل است:

ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵:

«هر یک از داوران و همیزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از ۸۲,۵۰۰,۰۰۰ تا ۳۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال محکوم، و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مودی به نفع دولت ضبط خواهد شد».

ماده ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵:

«در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشا حکم به مجازاتی اشد از

مجازات مقرر در قانون داده باشند، علاوه بر مجازات ارتشا، حسب مورد، به مجازات مقدار زایدی که مورد حکم واقع شده، محکوم خواهند شد».

ماده ۵۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵:

«اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد، بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی، کم تر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران تر از قیمت از مستخدمین یا مأمورین مستقیم یا غیرمستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می شود».

ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵:

«هر کس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشا از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید، به مجازات راشی بر حسب مورد محکوم می شود».

همچنین در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری آمده است که چنانچه هریک از کارکنان و مأموران دولتی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان های مزبور است، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول کنند، در حکم مرتشی است؛ اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد؛ خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن برطبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد؛ یا آن که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد. در ادامه بسته به میزان ارزش مال رشوه، مجازات هایی برای این افراد در نظر گرفته شده است.

مستفاد از محتوای مواد قانونی آن است که غرض قانون گذار از تصویب این قوانین و تعیین مجازات های مرتکبان ارتشا، پیشگیری و مقابله با این جرم و افراد خاطی بوده است (عسکری، اسلام پور و کریمی، ۱۳۸۷).

۳-۲. رکن مادی رشوه

در بحث از عنصر مادی شایسته است مطالبی پیرامون موضوع جرم، مرتکب جرم، شرکت و معاونت در جرم، خصوصیت مرتکب، عمل مرتکب و تأثیر وسیله آن در وقوع جرم مطرح کنیم.

۳-۲-۱. موضوع جرم

جرم رشوه یکی از جرایم مرتبط با امنیت و آرامش و آسایش عمومی جامعه است. حکومت‌ها همواره در صدد حمایت از نظم و آسایش عمومی جامعه هستند. بر همین اساس، رشوه‌خواری را که موجب بی‌اعتمادی مردم به کارگزاران حکومتی و عامل برهم زدن نظم اجتماعی و آسایش روانی افراد است، جرم انگاشته می‌شود و با آن برخورد می‌کنند. کارگزاری که رشوه دریافت می‌کند، علاوه بر اینکه باعث ضایع شدن حق دیگر افراد می‌شود، نظم امور حکومتی و دولتی را نیز برهم می‌زند و در قوانین و مقررات، اختلال ایجاد می‌کند و افزون بر این، باعث بی‌اعتمادی و بدبینی مردم نسبت به دولت می‌شود.

۳-۲-۲. مرتکب جرم و دیگر شقوق مداخله در جرم

جرم رشوه جزو آن دسته از جرایمی است که وقوع آن مستلزم وجود حداقل دو نفر است، یعنی بدون وجود حداقل دو نفر، جرم رشوه تحقق نمی‌یابد. با وجود این، اخذ رشوه و پرداخت آن، دو جرم مستقل از هم شناخته می‌شوند و هر کدام از آن‌ها بر حسب موارد، می‌تواند توسط بیش از یک نفر انجام شود. در این فرض، یعنی صورتی که راشی یا مرتشی متعدد باشند، بر اساس قواعد کلی اگر جرم ارتكابی مستند به عمل همه آن‌ها باشد، شریک در جرم محسوب شده و مجازات آن‌ها مجازات فاعل مستقل خواهد بود.

معاونت در جرم نیز با وجود شرایطی، در کلیه جرایم عمدی متصور است. معاونت یعنی کمک کردن به دیگری به جهت ارتکاب جرم. حال در مورد ارتشا نیز این معاونت متصور خواهد بود. در حالتی که شخصی از طریق فراهم نمودن موجبات مذاکره، جلب توافق یا وصول و ایصال سند پرداخت مال وقوع جرم ارتشا را تسهیل می‌کند، می‌تواند به عنوان معاون در جرم مورد کیفر و مجازات قرار گیرد.

۳-۲-۳. خصوصیت مرتکب

در مورد رشوه‌دهنده، قانون‌گذار قائل به خصوصیت خاصی نیست، ولی در مورد رشوه‌گیرنده الزاماً باید یکی از مستخدمان یا مأموران حکومتی و دولتی یا کارکنان ادارات یا مؤسسات و یا از قضات باشد. در این زمینه ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا مقرر داشته است: مرتشی باید یکی

از مستخدمین و مأموران دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی باشد. درخصوص واسطه در ارتشا نیز قانون‌گذار خصوصیتی را شرط ندانسته است.

۳-۲-۴. عمل مرتکب

عمل راشی و مرتشی در مصادیق مختلف ارتشامی تواند صورت‌های گوناگونی پیدا کند. به عنوان مثال، عمل راشی و مرتشی می‌تواند در قالب معامله به معنای خاص آن، اجاره، هبه، وقف، بیع محاباتی و یا هر قالب دیگری باشد. به طور کلی انجام هر عملی توسط راشی که موجب جلب منفعت توسط مرتشی شود، ارتشا است و به موجب قانون قابل مجازات است.

۳-۲-۵. وسیله

با توجه به شرحی که گذشت، پرداخت و یا اخذ رشوه باید به وسیله ایقاع یا عقدی از عقود مانند بیع، اجاره، هبه، وقف و... صورت گیرد. پس هر زمان که بین راشی و مرتشی چیزی در قالب عقود یا ایقاع رد و بدل شود که به موجب آن منفعتی متوجه مرتشی گردد و راشی نیز در ضمن آن به خواسته خود دست یابد، ارتشا صورت گرفته و به موجب قانون مجازات در پی خواهد داشت (عسکری، اسلام‌پور و کریمی، ۱۳۸۷).

۳-۳. رکن روانی رشوه

همواره یکی از مسائل مهم و مورد بحث در رشوه، تفکیک آن از هدیه بوده است. در اسلام سفارش‌های بسیاری در مورد هدیه وارد شده و در مقابل، از رشوه نهی شده است. سؤالی که در این مبحث مطرح است آن است که معیار تشخیص و تمایز رشوه از هدیه چیست؟ در پاسخ می‌توان بیان کرد که معیار، قصد مُعطی است. در هدیه، مال یا عینی که به عنوان هدیه به طرف مقابل پرداخت می‌شود، به قصد مودت و محبت و امثال آن است، ولی غرض از پرداخت رشوه عمدتاً انجام یا عدم انجام عمل توسط مرتشی است. به عبارت دیگر، در رشوه قصد راشی از پرداخت رشوه جلب نظر مرتشی است تا خواسته وی را انجام دهد.

ارتشا از نظر عنصر روانی جزو جرایم عمد است. در ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

عبارت «عالمًا و عامدًا» آمده است. این عبارت نشان دهنده شرط سوء نیت راشی و مرتشی در اخذ رشوه در قبال انجام یا ترک عملی است که وظیفه قانونی آنان است. مؤید این مطلب آن است که به تصریح خود قانونگذار در ماده ۵۹۱ و تبصره ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ آمده است: در مواردی که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از پرداخت وجه یا مال است، تعقیب کیفری ندارد و آنچه داده به او مسترد خواهد شد، چراکه در این مورد راشی فاقد سوء نیت است و به بیانی دیگر، مضطر از پرداخت رشوه است و در موارد اضطرار به اجماع حقوق دانان و فقها، شخص مضطر فاقد سوء نیت است (عسکری، اسلامپور و کریمی، ۱۳۸۷).

۳-۴. مجازات رشوه

همان طور که پیش تر بدان اشاره شد، در طول تاریخ پرداخت یا دریافت رشوه مجازات های سنگینی به همراه داشته است. در عهد هخامنشی مجازات رشوه خواری اعدام بوده است. در زمان حاضر، مجازات های متنوعی برحسب موارد برای اخذ یا پرداخت رشوه در نظر گرفته شده است. از جمله این مجازات ها می توان به ضبط اموال، انفصال دائم یا موقت از خدمت، شلاق یا حبس اشاره کرد.

طبق ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، مجازات انفصال مربوط به رشوه گیرنده است. انفصال موقت از شش ماه تا سه سال برای آن دسته از مرتکبین در نظر گرفته می شود که مرتبه آن ها پایین تر از مدیر کل یا هم تراز آن باشد و انفصال دائم برای آن دسته از مرتکبین که مرتبه آن ها مدیر کل یا هم تراز مدیر کل یا بالاتر باشد. این ماده در این باره مقرر داشته است:

«در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از ۲۵,۵۰۰,۰۰۰ ریال نباشد، به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا هم تراز مدیر کل یا بالاتر باشد، به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از ۲۵,۵۰۰,۰۰۰ تا ۲۵۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال از یک سال تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا هم تراز مدیر کل یا بالاتر باشد، به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد. در صورتی که قیمت مال یا وجه

مأخوذ بیش از ۲۵۵,۰۰۰,۰۰۰ تا ۱,۲۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال باشد، مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیر کل یا هم‌تراز آن باشد، به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از ۱,۲۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال باشد، مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیر کل یا هم‌تراز آن باشد، به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

طبق ماده ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، در صورتی که قاضی یک دادگاه به واسطه رشوه، حکم به مجازاتی اشد از مجازات قانون بدهد، علاوه بر مجازات مرتشی، حسب مورد به مقدار زایدی که مورد حکم قرار گرفته است نیز محکوم می‌گردد. همچنین طبق تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، جز در مواردی که راشی مضطر از پرداخت رشوه بوده است و یا برای احقاق حق خود ناچار از پرداخت رشوه شده است، مال به او مسترد نخواهد شد و به نفع حکومت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی امتیازی تحصیل کرده باشد، این امتیاز لغو خواهد شد.

همچنین طبق ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، تشکیل و یا رهبری شبکه و باند رشوه‌خواری موجب تشدید مجازات ارتشا است و چنانچه شخص در این مورد مُفسد فی الارض شناخته نشود، به حبس از پانزده سال تا حبس ابد و ضبط اموال محکوم می‌شود. همچنین از منظر شرعی نیز، حکم تکلیفی رشوه حرمت و حکم وضعی آن فساد است. فساد در رشوه به این معناست که گیرنده رشوه، مالک آن نمی‌شود و مکلف به رد آن است اگر موجود باشد؛ اما اگر تلف شده است، باید آن را اگر مثلی است و قیمت آن را اگر قیمی است به راشی بازگرداند (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۷۵). افزون بر این‌ها، قاضی با گرفتن رشوه، فاسق می‌شود و از عدالت خارج خواهد شد (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۹).

❁ نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی اقوال فقها و اهل لغت روشن شد که رشوه آن چیزی است که راشی به مرتشی می‌پردازد تا به این وسیله منفعتی را به سوی خود جلب کند. همچنین از بررسی موضوع رشوه این مطلب به دست آمد که رشوه اختصاصی به باب قضاوت ندارد و غیر باب قضا و حکم را نیز شامل می‌شود. همچنین روشن شد که گرچه متعارف بین مردم، رشوه پرداخت مال در ازای عمل است، ولی رشوه غیرمالی نیز می‌تواند از مصادیق رشوه به شمار آید.

در ادامه این نتیجه به دست آمد که به حکم کتاب، سنت، اجماع و عقل، پرداخت و دریافت رشوه حرام است و تصرف مال الرشاء توسط مرتشی مصداق «اکل مال بالباطل» خواهد بود، ولی بیان شد که گرچه دریافت رشوه مطلقاً بر مرتشی حرام است، در مواردی پرداخت آن توسط راشی برای رسیدن به حق جایز خواهد بود.

سپس در مورد مال الرشاء این نتیجه حاصل شد که بنا به نظر شرع، دریافت‌کننده آن باید فوراً آن را به صاحبش بازگرداند. ولی در حقوق کشور ما این مال توسط دادگاه به عنوان مجازات راشی و مرتشی ضبط خواهد شد.

همچنین روشن شد که به واسطه اهمیت این موضوع، قانون‌گذار ما مجموعه‌ای از قوانین را به رشوه و ارتشا اختصاص داده است. در مورد رکن مادی رشوه، مطالبی پیرامون موضوع جرم، مرتکب جرم، شرکت و معاونت در جرم، خصوصیت مرتکب، عمل مرتکب و تأثیر وسیله آن در وقوع جرم مطرح شد.

در ادامه، ضمن بیان تفاوت هدیه و رشوه، روشن شد که سوء نیت راشی و مرتشی در عمل رشوه، شرط جرم بودن آن است و در مواردی که راشی برای حفظ حقوق حق خود ناچار از پرداخت رشوه است، معاف از مجازات خواهد بود.

در مورد مجازات جرم رشوه نیز روشن شد که همان‌طور که در طول تاریخ این عمل دارای مجازات‌های سنگین بوده است، امروزه نیز قانون‌گذار ما مجازات‌های متنوعی را حسب مورد برای راشی و مرتشی در نظر گرفته است که از جمله این مجازات‌ها می‌توان به ضبط اموال، انفصال دائم یا موقت از خدمت، شلاق یا حبس اشاره کرد.

❁ پی نوشت

۱. Herodotus .

۲. Cambyses .

۳. Sisamnes .

❁ فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مجدالدین ابومحمد، (بی تا)، **النهایه فی غریب الحدیث و الاثر**، قم: اسماعیلیان.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ق)، **المکاسب**، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۳. ایروانی، علی بن عبدالحسین، (۱۳۸۶)، **حاشیه المکاسب**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. بهبهانی، وحید، (۱۳۱۰)، **رساله عملیه متاجر**، بی جا: بی نا.
۵. جزایری فارسائی، سید عباس، (۱۳۸۲)، «معامله در مقام رشوه»، **مجله دادرسی**، شماره ۴۱، ۵ صفحه از صفحه ۸۶ تا ۹۰.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۹)، **معجم الصحاح**، بیروت: دارالعلم للملایین.
۷. حبیب زاده، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، «رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه»، **مجله مدرس علوم انسانی**، شماره ۱۷، صفحات ۳۵ تا ۵۲.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳ق)، و **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۹. حسینی عاملی، محمد جواد، (بی تا)، **مفتاح الکرامه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. خرقانی، حسن/ ذوقی، سعید، (۱۳۹۶)، «بررسی فقهی جرم «رشوه» با تاکید بر قرآن کریم»، **مجله مطالعات فقه اسلامی و مبانئ حقوق**، شماره ۳۵، ۲۲ صفحه از ۱۰۳ تا ۱۲۴.
۱۱. خمینی، سید روح الله رحمه الله، (۱۳۸۳)، **تحریر الوسيلة**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. خامنه ای، سید علی (بی تا)، **رساله‌ی آموزشی؛ احکام معاملات**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۳. دادویی، حمیدرضا، (۱۳۸۳)، **رشوه و احکام آن در فقه اسلامی**، قم: بوستان کتاب.
۱۴. رحیمی، مرتضی/ سلیمانی، سمیه، (۱۳۹۴)، «بررسی حکم و مبانئ فقهی رشوه در غیر قضاوت»، **مجله پژوهش های فقهی**، شماره ۴، ۲۴ صفحه از ۸۲۵ تا ۸۴۸.
۱۵. زبیدی، محمد مرتضی، (بی تا)، **تاج العروس**، بیروت: دارالفکر.
۱۶. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۰۲)، **مذهب الأحکام**، قم: مؤسسه المنار.
۱۷. شرتونی، سعید، (۱۴۰۳ق)، **اقراب الموارد**، تهران: سازمان حج و امور خیریه.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۰)، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمدتقی مصباح یزدی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی رحمه الله.
۱۹. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، (بی تا)، **عروة الوثقی**، بیروت: المکتبه الداوری.
۲۰. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، (بی تا)، **مجمع البیان**، تهران: ناصر خسرو.

۲۱. طریحی، فخرالدین محمد، (۱۳۶۲)، مجمع البحرين، تهران: بی جا.
۲۲. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتاب فروشی داوری.
۲۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالک الإیفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۴. عراقی، شیخ ضیاء الدین، (بی تا)، شرح تبصرة المتعلمین، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۵. عسکری، اسلام پور، کریمی، (۱۳۸۷)، «رشوه، پدیده شوم اجتماعی»، مجله مبلغان، شماره ۱۰۹، صفحات ۷۷ تا ۸۸.
۲۶. عسکری، اسلام پور، کریمی، (۱۳۸۷)، «رشوه، پدیده شوم اجتماعی (۲)»، مجله مبلغان، شماره ۱۱۰، صفحات ۸۴ تا ۹۸.
۲۷. عطایی، محمد آصف، (۱۳۸۵)، «رشوه خواری و پیامدهای آن»، مجله مبلغان، شماره ۷۹، صفحات ۸۱ تا ۸۹.
۲۸. فاضل مقداد، جمال الدین، (۱۳۸۴)، کثر العرفان، قم: انتشارات مرتضوی.
۲۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، القاموس المحیط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۰. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، (مصوب ۱۳۶۷).
۳۱. قانون مجازات اسلامی، (مصوب ۱۳۹۲).
۳۲. محقق، صدیقه، (۱۴۰۱)، «حکم رشوه غیر قضایی»، مجله مطالعات دین پژوهی، شماره ۱۱، صفحات ۲۱ تا ۳۲.
۳۳. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۳۷۷)، شرایع الإسلام، بی جا: بی نا.
۳۴. محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۱ق)، جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۵. موسوی اردبیلی، سید عبد الکرم، (بی تا)، فقه القضا، قم: جامعه المفید.
۳۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، مصباح الفقاهه، محمد علی توحیدی تبریزی، قم: المکتبه الداوری.
۳۷. میرحسینی نیری، سید احمد، (۱۳۸۹)، «تحقیقی در رشوه و حکم فقهی آن»، مجله پژوهش های فقهی، شماره ۲، ۱۴ صفحه از ۱۰۷ تا ۱۲۰.
۳۸. میرحسینی نیری، سید احمد، (۱۳۹۶)، «حکم استیفای حق از راه پرداخت رشوه»، مجله پژوهش های فقهی، شماره ۳، ۱۶ صفحه از ۶۸۷ تا ۷۰۳.
۳۹. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، (۱۴۲۲)، أنوار الفقاهة - کتاب المکاسب، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۴۰. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۴۱. نراقی، محمد مهدی، (۱۴۲۵ق)، انیس التجار، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.



Journal of On The Path of Ijtihad
Vol.2, No.2, Spring and summer 2025

Issn: 3060-8430 | Eissn: 3092-6734

Promotional Article

A study of bribery and corruption in Imamiyya jurisprudence and Iranian law

Mohamad Mahdi Kheirkhah¹

Elyas Gholami²

Abstract

Bribery is a social problem that has plagued society and people for a long time. In the present study, which is descriptive-analytical, in addition to explaining the concept and subject of bribery, its practical manifestations are also explained. In Imami jurisprudence, after proving the prohibition of bribery, it has been raised whether it is possible to prove the permissibility of paying bribes in necessary cases and to achieve a right. Also, in Iranian law, after analyzing the articles related to bribery in the collection of laws, the three elements of the crime of bribery have been explained.

The findings indicate that bribery occurs when a *rāshi* (bribe-giver) offers an illicit benefit to a *murtashi* (bribe-taker) in order for the latter to render a favorable judgment or to nullify a rightful claim. It also became clear that bribery is not specific to judgment and rulings, and the criteria for being prohibited also exist in non-judicial matters. On the other hand, non-financial matters can also be examples of bribery. It was further argued that although receiving a bribe is always forbidden for the *murtashi*, paying it by the *rāshi* is permissible in some cases. Finally, the distinction between *rishwah* and legitimate gifts (*hadāyā*) is clarified, and the legal implications for *māl al-rishwah* (bribe property), the *rāshi*, and the *murtashi* are analyzed in light of relevant statutory provisions.

Keywords: Bribery (*Rishwah*); Bribe Property (*Māl al-Rishwah*); Bribe-Giver (*Rāshi*); Bribe-Taker (*Murtashi*); Bribe-Taking (*Irtishā'*).

* Date received: 2024/05/24

Date of admission: 2025/01/29

1. 2nd level student of jurisprudence and law at the Nawab School of Mashhad (responsible author).

(Mahdi.kheirkhah2001@gmail.com)

2. Level 4 scholar specializing in contemporary jurisprudence, Navab Seminary, Khorasan Seminary.

(elyasgh110@gmail.com)

